

تعریف و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران: تدوین یک چارچوب مفهومی و عملیاتی بر پایه تحلیل معیارهای شناسایی و طبقه‌بندی

یاسر حمزوی^۱ 

۱. دانشیار پژوهشکده میراث معماری و شهری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

چکیده: آرایه‌های معماری بخش مهمی از هویت کالبدی، زیبایی‌شناختی، تاریخی و معنایی معماری ایران را تشکیل می‌دهند؛ با این حال، تنوع گسترده مواد، فنون، شیوه‌های اجرا و نسبت این عناصر با معماری، موجب شده است که مفهوم «آرایه معماری» در مطالعات موجود با حدود و تعاریف یکسانی به کار نرود و نظامی جامع و چندسطحی برای طبقه‌بندی آن‌ها شکل نگیرد. پژوهش حاضر با هدف تعریف عملیاتی «آرایه معماری» و تدوین چارچوبی برای طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران انجام شده است. پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای - مفهومی و از نظر روش، مبتنی بر مطالعه و تحلیل تطبیقی ادبیات مرتبط با مفهوم آرایه و تزئین معماری و بررسی مطالعات انجام‌شده درباره آرایه‌های معماری ایران است. بر این اساس، «رابطه با معماری»، «نحوه شکل‌گیری» و «کارکرد» به عنوان مؤلفه‌های اصلی تعیین‌کننده قلمرو مفهومی آرایه معماری شناسایی شدند و «ماده و مصالح» غالب، همراه با ماهیت غالب آرایه» به عنوان مبنای سطح نخست طبقه‌بندی انتخاب شد. تعریف پیشنهادی، آرایه معماری را عنصری مرتبط با سطوح، اجزا یا بدنه معماری می‌داند که هم‌زمان با شکل‌گیری معماری ایجاد شده یا پس از آن بر معماری اجرا یا افزوده شده و دست‌کم دارای کارکرد زیبایی‌شناختی یا مفهومی - معنایی باشد؛ کارکرد پوششی - حفاظتی نیز در صورت همراهی با یکی از این دو کارکرد، می‌تواند در قلمرو آرایه قرار گیرد. بر مبنای این چارچوب، آرایه‌های معماری ایران در سطح نخست در ۱۶ گروه اصلی سازمان‌دهی شدند و امکان توسعه رده‌ها و زیررده‌های تخصصی‌تر بر اساس فناوری، شیوه اجرا، فرم، نقش مایه، محل استقرار، دوره تاریخی و ویژگی‌های منطقه‌ای پیش‌بینی شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمایز میان معیارهای تعیین‌کننده مفهوم و معیارهای طبقه‌بندی، همراه با سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی و باز آن‌ها، می‌تواند مبنایی منسجم برای شناسایی، مستندسازی، مطالعه و حفاظت از آرایه‌های معماری ایران فراهم کند.

کلیدواژگان:

آرایه‌های معماری
تعریف آرایه معماری
چارچوب مفهومی
حفاظت و مرمت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

© ۲۰۲۶/۱۴۰۵ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2026.596896.1059>

۱. مقدمه

آرایه‌های معماری از مهم‌ترین حاملان ارزش‌های تاریخی، هنری، فنی، اجتماعی و فرهنگی در بناهای تاریخی به شمار می‌روند و در شکل‌گیری هویت، خوانایی و کیفیت ادراکی معماری نقشی اساسی دارند. با وجود این اهمیت، مفهوم «آرایه معماری» در مطالعات معماری، هنر و حفاظت و مرمت، همواره از حدود مفهومی و تعریفی یکسان و روشنی برخوردار نبوده است. در بسیاری از مطالعات، آرایه‌های معماری عمدتاً با مفهوم زینت و زیبایی‌شناسی مترادف تلقی شده‌اند؛ در حالی که طیف گسترده‌ای از عناصر مرتبط با معماری، علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناختی، می‌توانند واجد کارکردهای مفهومی - معنایی و گاهی پوششی - حفاظتی نیز باشند و برخی از آن‌ها از آغاز شکل‌گیری بنا، بخشی جدایی‌ناپذیر از شکل‌گیری یا بدنه معماری بوده‌اند. این ابهام مفهومی می‌تواند بر نحوه شناسایی، طبقه‌بندی، مستندسازی و تحلیل آرایه‌ها و در نهایت بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با حفاظت و مرمت آن‌ها تأثیر بگذارد.

از این منظر، ارائه تعریفی روشن، قابل تفکیک و عملیاتی از آرایه معماری صرفاً یک مسئله واژگانی یا نظری نیست؛ بلکه می‌تواند مبنایی مشترک برای پژوهش، مستندسازی و مدیریت این بخش از میراث معماری فراهم آورد. تعیین حدود مفهومی آرایه‌ها، امکان شناسایی نظام‌مند طیف متنوع

آن‌ها، تدوین چارچوب‌های منسجم برای مستندسازی، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و اطلس‌های تخصصی و توسعه زبان مشترک میان پژوهشگران حوزه‌های معماری، باستان‌شناسی، هنر، فن‌شناسی، آسیب‌شناسی، حفاظت و مرمت را فراهم می‌کند. چنین چارچوبی همچنین می‌تواند زمینه مناسبی برای مطالعات تطبیقی میان دوره‌ها، مناطق و سنت‌های مختلف معماری فراهم آورد.

اهمیت این موضوع در حوزه فن‌شناسی و آسیب‌شناسی نیز قابل توجه است. شناخت دقیق ماهیت و حدود آرایه‌های معماری، امکان بررسی منسجم‌تر رابطه میان ماده، فناوری ساخت، شیوه اجرا، بستر معماری و فرایندهای تخریب را فراهم می‌سازد. این مسئله در حفاظت و مرمت پیامدهای مستقیمی دارد؛ زیرا تعیین نوع، دامنه و ضرورت مداخله، بدون شناخت ماهیت، جایگاه و ارزش‌های یک آرایه در نظام معماری بنا، می‌تواند به از دست رفتن بخشی از شواهد تاریخی و فنی، تغییر ویژگی‌های اصیل یا گسست رابطه میان آرایه و معماری منجر شود. بنابراین، تعریف دقیق آرایه معماری می‌تواند علاوه بر ایجاد چارچوبی برای شناخت و طبقه‌بندی، مبنایی برای رویکردی ارزش‌محور، مبتنی بر شواهد و حساس به اصالت در حفاظت و مرمت فراهم آورد. این ضرورت در مورد معماری تاریخی ایران اهمیت بیشتری می‌یابد. گستردگی جغرافیایی، تنوع مواد و مصالح، پیچیدگی فناوری‌های سنتی و تنوع شیوه‌های بیان هنری و معماری در دوره‌های مختلف، مجموعه‌ای گسترده و چندلایه از آرایه‌های معماری را پدید آورده است. مطالعات متعددی به بررسی گونه‌ها، مواد و فنون مختلف آرایه‌های معماری ایران پرداخته‌اند؛ با این حال، بخش قابل توجهی از این مطالعات بر یک گونه، ماده، فن، دوره تاریخی یا موضوع مشخص تمرکز داشته و معیارهای مورد استفاده برای شناسایی و طبقه‌بندی آرایه‌ها نیز غالباً متناسب با موضوع و هدف همان مطالعه انتخاب شده‌اند. در نتیجه، در ادبیات موجود، تعریف عملیاتی و یکدستی از مفهوم آرایه معماری و نیز تفکیک روشن میان معیارهای شناسایی آرایه و معیارهای طبقه‌بندی آن کمتر صورت‌بندی شده است. همچنین، چارچوبی جامع، چندسطحی، باز و قابل توسعه که بتواند تنوع آرایه‌های معماری ایران را از نظر مواد و مصالح، فناوری و شیوه اجرا، جایگاه و رابطه با معماری، ویژگی‌های تاریخی و منطقه‌ای و سایر وجوه متمایزکننده دربرگیرد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، تدوین چارچوبی که بتواند این ابعاد را در یک نظام مفهومی و عملیاتی منسجم به یکدیگر پیوند دهد، ضرورتی پژوهشی و کاربردی به شمار می‌رود.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تدوین یک چارچوب مفهومی و عملیاتی برای تعریف و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران انجام شده است. در این راستا، ابتدا ادبیات نظری و مطالعات مرتبط با مفهوم آرایه معماری و شیوه‌های شناسایی و طبقه‌بندی آن بررسی می‌شود؛ سپس معیارهای مطرح‌شده در منابع و مطالعات موجود استخراج، دسته‌بندی، مقایسه و تحلیل می‌شوند تا ضمن تفکیک معیارهای شناسایی از معیارهای طبقه‌بندی، مؤلفه‌های مؤثر در تعیین حدود مفهومی آرایه معماری مشخص شوند. بر پایه این تحلیل، تعریفی پیشنهادی از «آرایه معماری» صورت‌بندی و مجموعه‌ای از معیارهای شناسایی و طبقه‌بندی برای سامان‌دهی مصادیق آن تدوین می‌شود و در نهایت، چارچوبی چندسطحی و قابل توسعه برای طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران ارائه خواهد شد. این چارچوب می‌تواند مبنایی برای شناسایی، مستندسازی، مطالعات فن‌شناسی و آسیب‌شناسی، ارزیابی ارزش و تدوین راهبردهای حفاظت و مرمت آرایه‌های معماری فراهم آورد.

۲. روش پژوهش و فرایند تدوین چارچوب مفهومی

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی توسعه‌ای - مفهومی است که با هدف تدوین تعریفی عملیاتی برای «آرایه معماری» و ارائه چارچوبی برای طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران انجام شده است. نگارنده در ۲۵ سال گذشته، بررسی‌ها و مطالعات میدانی متعددی درباره آرایه‌های معماری ایران داشته است و در جریان این مطالعات، متوجه شده است که تنوع آرایه‌های معماری ایران بسیار بیشتر از آن چیزی است که در منابع مکتوب موجود است. از سوی دیگر، تاکنون پژوهشگری به صورت ویژه و تخصصی به این موضوع نپرداخته است. البته پژوهشگرانی به صورت کلی در خصوص آرایه‌های معماری مطالبی منتشر کرده‌اند که می‌توان گفت هیچ‌یک از این کتاب‌ها و منابع از این منظر کامل نیستند (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷؛ کیانی، ۱۳۷۴؛ کیانی، ۱۳۷۶؛ کیانی، ۱۳۷۹؛ خدادادی و بزرگمهری، ۱۳۹۰؛ حمزوی و اصلانی، ۱۳۹۱؛ پوپ و اکرمی، ۱۳۸۷؛ پوپ، ۱۳۷۰؛ پیرنیا، ۱۳۶۹؛ پیرنیا، ۱۳۸۳؛ اتینگه‌اوزن و گرابار، ۱۳۷۸؛ بلر و بلوم، ۱۳۸۵؛ هیلن‌براند، ۱۳۸۷؛ گدار و همکاران، ۱۳۷۱؛ گرابار، ۱۳۷۹؛ هیل و گرابار، ۱۳۷۵؛ پاپادوپولو، ۱۳۶۸؛ فریه، ۱۳۷۴؛ نجیب اغلو، ۱۳۷۹؛ میشل، ۱۳۸۰؛ حمزه‌لو، ۱۳۸۱؛ حمزه‌لو، ۱۳۸۶؛ ضابطی جهرمی، ۱۳۸۹؛ مسجدی خاک و همکاران، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۳؛ جوادی، ۱۳۶۳؛ عمرانی‌پور، ۱۳۸۴). در این مرحله، علاوه بر شناسایی گونه‌های مختلف، مبانی و معیارهای مورد استفاده در تعریف و طبقه‌بندی آن‌ها نیز مورد توجه قرار گرفت.

در گام دوم، نظام‌های موجود از نظر مبنای طبقه‌بندی، جامعیت، قابلیت تفکیک و کاربردی‌پذیری در مطالعات معماری و حفاظت و مرمت با یکدیگر مقایسه شدند. بر اساس این تحلیل، معیارهای اصلی برای تعریف آرایه معماری، شامل رابطه با معماری، نحوه شکل‌گیری، کارکرد و قابلیت شناسایی و مطالعه، استخراج شد. این معیارها مبنای تعریف پیشنهادی قرار گرفتند.

در گام سوم، معیارهای مختلف برای طبقه‌بندی آرایه‌ها بررسی و ماده و مصالح غالب، همراه با ماهیت و ویژگی‌های اجرایی آرایه، به عنوان مبنای سطح نخست انتخاب شد؛ زیرا این معیار ارتباط مستقیمی با فناوری ساخت، شیوه اجرا و مطالعات فن‌شناختی و حفاظتی دارد. بر این اساس، گونه‌های شناسایی‌شده در ۱۶ گروه اصلی سازمان‌دهی شدند و برای هر گروه، امکان توسعه رده‌ها و زیررده‌های تخصصی‌تر در سطوح بعدی در نظر گرفته شد.

در نهایت، چارچوب پیشنهادی از نظر انسجام مفهومی، جامعیت، قابلیت تفکیک، توسعه‌پذیری و کاربرد در مطالعات شناخت، مستندسازی، فن‌شناسی، آسیب‌شناسی و حفاظت و مرمت بازبینی شد. از این‌رو، طبقه‌بندی ۱۶ گانه به‌عنوان سطح نخست یک نظام باز و چندسطحی پیشنهاد شده است، نه نظامی نهایی و تغییرناپذیر. اعتبارسنجی گسترده‌تر آن می‌تواند در مطالعات آینده، از طریق آزمون بر نمونه‌های متنوع معماری ایران و ارزیابی تخصصی، انجام گیرد.

بررسی تطبیقی این ادبیات نشان می‌دهد که معیارهای مختلفی، از جمله ماده و مصالح، فناوری و تکنیک، فرم و نقش‌مایه، محل استقرار، کارکرد، دوره تاریخی و رابطه با معماری، در مطالعات پیشین به‌صورت مستقل یا ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با این حال، این معیارها در یک نظام واحد و چندسطحی که با هدف شناسایی و طبقه‌بندی جامع آرایه‌های معماری ایران طراحی شده باشد، به‌صورت منسجم سازمان‌دهی نشده‌اند و تمامی طبقه‌بندی‌های انجام‌شده در متون فارسی، ناقص هستند. از این‌رو، مسئله پژوهش حاضر نه ابداع معیارهای منفرد جدید، بلکه ترکیب و سلسله‌مراتب‌بخشی به معیارهای موجود و تبدیل آن‌ها به یک چارچوب مفهومی و عملیاتی متناسب با نیازهای مطالعات آرایه‌های معماری ایران است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، «رابطه با معماری»، «نحوه شکل‌گیری» و «کارکرد» برای تعیین قلمرو مفهومی آرایه معماری به کار گرفته شده و «ماده و مصالح غالب، همراه با ماهیت و ویژگی‌های اجرایی» به‌عنوان مبنای سطح نخست طبقه‌بندی انتخاب شده است. سایر ویژگی‌ها، از جمله فناوری ساخت، شیوه اجرا، فرم، نقش‌مایه، محل استقرار، دوره تاریخی و ویژگی‌های منطقه‌ای، در سطوح بعدی قابل استفاده‌اند. بنابراین، طبقه‌بندی شانزده‌گانه پیشنهادی ادعای برتری مطلق نسبت به نظام‌های پیشین ندارد، بلکه چارچوبی برای یکپارچه‌سازی و استانداردسازی اولیه زبان طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران است که قابلیت توسعه و بازنگری در سطوح تخصصی‌تر را دارد.

۳. مبانی و منطق تعریف پیشنهادی

تعریف پیشنهادی آرایه‌های معماری برآمده از بررسی و تحلیل تطبیقی ادبیات مرتبط با مفهوم ornament، architectural ornament و decoration و نیز مطالعات انجام‌شده درباره آرایه‌های معماری ایران است. بررسی این منابع نشان می‌دهد که آرایه را نمی‌توان صرفاً مترادف «زینت» یا «عنصر زیباساز» معماری دانست؛ زیرا در بسیاری از رویکردهای نظری، نسبت آرایه با معماری، نحوه پیوند آن با بستر و حامل، ماده و فناوری، نقش و کارکرد و نیز ابعاد تاریخی و معنایی آن مورد توجه قرار گرفته است (Riegl, 1992; Gombrich, 1979; Trilling, 2003; Ahani et al., 2017; Van Eck, 2020). در مطالعات مربوط به معماری ایران نیز تنوع مواد، فنون و شیوه‌های اجرای عناصر تزئینی نشان می‌دهد که بسیاری از این عناصر در مرز میان ساخت، پوشش، کارکرد و بیان زیبایی‌شناختی قرار می‌گیرند. بر مبنای این بررسی، چهار مؤلفه اصلی برای صورت‌بندی تعریف پیشنهادی استخراج و در یک چارچوب منسجم سازمان‌دهی شده‌اند: رابطه آرایه با معماری، کارکرد، پیوند ماده و فناوری با آرایه، و قابلیت عملیاتی تعریف. این مؤلفه‌ها در ادامه مبنای تعیین قلمرو مفهومی آرایه و تدوین نظام طبقه‌بندی پیشنهادی قرار گرفته‌اند.

نخستین مبنا، رابطه آرایه با معماری است. آرایه در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه با سطوح، اجزا یا بدنه معماری رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند. این رابطه ممکن است از طریق هم‌زمانی با فرایند ساخت بنا شکل گیرد؛ به این معنا که عنصر از ابتدا بخشی از ساخت یا شکل‌گیری معماری باشد؛ یا آنکه پس از شکل‌گیری بدنه معماری، بر آن اجرا یا افزوده شود. در نظر گرفتن هر دو وضعیت، از محدود شدن مفهوم آرایه به عناصر صرفاً الحاقی جلوگیری می‌کند و امکان شناسایی عناصری را فراهم می‌سازد که در فرایند ساخت، هم‌زمان دارای نقش معماری و آرایه‌ای بوده‌اند. تأکید بر پیوند عنصر با بستر و حامل معماری نیز با بخشی از ادبیات نظری مربوط به تمایز ornament و decoration همخوان است؛ در این ادبیات، میزان پیوستگی عنصر با معماری یکی از معیارهای مهم تمایز میان این دو مفهوم به شمار آمده است. در یک نظام واژگانی تخصصی مانند Getty AAT نیز architectural ornaments در سلسله‌مراتب عناصر سطحی معماری جای می‌گیرد و بدین ترتیب رابطه آن با عنصر معماری مورد تأکید قرار می‌گیرد (Getty Research Institute, n.d.).

دومین مبنا، کارکرد است. در تعریف پیشنهادی، وجود دست‌کم یکی از دو کارکرد اصلی مفهومی - معنایی و زیبایی‌شناختی و همچنین یک کارکرد فرعی پوششی - حفاظتی، شرط قرار گرفتن یک عنصر در قلمرو آرایه‌های معماری است. این کارکردها می‌توانند به‌صورت منفرد یا هم‌زمان در یک آرایه حضور داشته باشند. بر این اساس، صرف قرار گرفتن یک عنصر در سطح یا بدنه معماری برای اطلاق عنوان «آرایه» کافی نیست؛ بلکه عنصر مورد نظر باید دست‌کم واجد یکی از کارکردهای تعیین‌شده باشد. این معیار از یک سو امکان تمایز مفهومی میان عناصر عمومی معماری و آرایه‌های معماری را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، مانع از تقلیل آرایه به زیبایی صرف می‌شود.

سومین مبنا، پیوند میان ماده، فناوری و آرایه است. آرایه معماری صرفاً یک پدیده بصری نیست، بلکه در بسیاری از موارد حاصل انتخاب ماده، شناخت ویژگی‌های آن، فناوری ساخت، مهارت اجرایی، روش شکل‌دهی و شیوه ارتباط آن با بستر معماری است. بنابراین، مطالعه آرایه بدون توجه به ماده، ساختار، فناوری تولید و شیوه اجرا، شناختی ناقص از ماهیت آن به دست می‌دهد. این موضوع در مطالعات تاریخی آرایه‌های معماری ایران نیز آشکار است؛ به‌گونه‌ای که آجر، گچ، سفال، کاشی، چوب و دیگر مواد، هر یک مجموعه‌ای از فنون و شیوه‌های اجرایی متفاوت را دربرمی‌گیرند. بر همین اساس، طبقه‌بندی شانزده‌گانه پیشنهادی، ماده و مصالح و نیز ماهیت غالب اثر را به‌عنوان مبنای سطح نخست در نظر می‌گیرد و امکان حرکت

از تعریف مفهومی به سوی مطالعه تخصصی مواد، فنون، فناوری‌ها و گونه‌های مختلف آرایه‌های معماری ایران را فراهم می‌سازد. این طبقه‌بندی در سطوح بعدی قابلیت توسعه بر اساس ویژگی‌هایی مانند ترکیب مواد، فناوری و تکنیک اجرا، شیوه شکل‌دهی، ساختار لایه‌ای، نقش مایه و ویژگی‌های کالبدی و فنی را دارد.

چهارمین مبنا، قابلیت عملیاتی تعریف است. یک تعریف علمی در حوزه میراث فرهنگی زمانی از کارآمدی کافی برخوردار است که علاوه بر تعیین حدود مفهومی یک پدیده، بتواند در فرایندهای واقعی شناخت و حفاظت نیز به کار گرفته شود. از این منظر، تعریف پیشنهادی باید امکان استفاده در شناسایی، مستندسازی، طبقه‌بندی، مطالعات فن‌شناسی و آسیب‌شناسی، ارزیابی ارزش، پایش و تصمیم‌گیری درباره مداخلات حفاظتی و مرمتی را فراهم کند. بنابراین، تعریف حاضر صرفاً با هدف تعیین معنای یک اصطلاح ارائه نشده، بلکه با رویکردی عملیاتی و با هدف ایجاد چارچوبی قابل استفاده در چرخه شناخت، مستندسازی، ارزیابی و حفاظت از آرایه‌های معماری تدوین شده است.

بر این اساس، سه مبناي نخست حدود مفهومی و معیارهای شناسایی آرایه‌های معماری را تعیین می‌کنند و مبنای چهارم قابلیت کاربرد این تعریف را در فرایندهای پژوهش و حفاظت مشخص می‌سازد. حاصل این ترکیب، تعریفی است که از یک سو رابطه آرایه با معماری و ویژگی‌های مادی و فناوری آن را دربرمی‌گیرد و از سوی دیگر، با تعیین معیارهای مشخص برای شناسایی، امکان تبدیل مفهوم نظری آرایه به یک چارچوب عملیاتی برای طبقه‌بندی و حفاظت را فراهم می‌کند.

۴. تعریف و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران

الف. تعریف: آرایه معماری، عنصری مرتبط با سطوح، اجزا یا بدنه معماری است که یا به‌عنوان بخشی از ساخت یا شکل‌گیری معماری، هم‌زمان با آن ایجاد شده، یا پس از شکل‌گیری سازه و بدنه معماری، بر آن اجرا یا افزوده شده است و دست‌کم دارای یکی از کارکردهای زیبایی‌شناختی یا مفهومی و معنایی است. این کارکردها می‌توانند به‌صورت منفرد یا هم‌زمان در یک آرایه حضور داشته باشند. کارکرد دیگر، کارکرد پوششی-حفاظتی است. اگر سطوح فضاهای داخلی یا خارجی معماری را لایه‌ای تشکیل دهد که فقط کارکرد پوششی-حفاظتی داشته باشد، این کارکرد به‌تنهایی نمی‌تواند آن لایه را در زمره آرایه‌های معماری قرار دهد. این لایه باید یکی از کارکردهای مفهومی و معنایی یا زیبایی‌شناختی را نیز داشته باشد تا آرایه معماری محسوب شود. بنابراین، عنصری که فاقد هر یک از این کارکردها باشد، صرفاً به دلیل قرارگیری در سطح یا بدنه معماری، آرایه معماری محسوب نمی‌شود. لازم به ذکر است که کارکرد آرایه‌های معماری لزوماً ویژگی‌ای ثابت و تغییرناپذیر نیست و ممکن است در طول زمان، تحت تأثیر تغییرات کالبدی، کاربری بنا، شرایط اجتماعی و فرهنگی، دگرگونی‌های معنایی و حتی فرایندهای حفاظتی و مرمتی، تغییر کند، کاهش یابد یا از میان برود. از این رو، در شناسایی و ارزیابی آرایه‌های معماری، باید میان کارکرد در زمان شکل‌گیری اثر و کارکرد یا جایگاه آن در زمان مطالعه تمایز قائل شد. ممکن است عنصری در زمان ایجاد، واجد کارکرد زیبایی‌شناختی یا مفهومی – معنایی بوده و بر اساس تعریف حاضر، آرایه معماری محسوب شده باشد، اما در گذر زمان و در اثر تغییر کاربری، از دست رفتن بخشی از اثر، تغییر در نظام بصری یا معنایی بنا و یا دگرگونی‌های اجتماعی، آن کارکرد را تا حد زیادی از دست داده باشد. باین‌حال، از بین رفتن کارکرد اولیه لزوماً به معنای خروج آن عنصر از قلمرو آرایه‌های معماری نیست؛ زیرا خود عنصر می‌تواند به‌عنوان یک شاهد تاریخی، هنری و فنی و بخشی از اصالت و هویت بنا، واجد ارزش حفاظتی باشد. از سوی دیگر، ممکن است عنصری در زمان ایجاد، صرفاً دارای کارکرد ساختمانی، پوششی یا حفاظتی بوده و در آن زمان آرایه معماری محسوب نمی‌شده است، اما در دوره‌های بعد، در نتیجه تغییرات فرهنگی، زیبایی‌شناختی یا معنایی، جایگاه جدیدی پیدا کند و به‌عنوان بخشی از نظام آرایشی بنا شناخته شود. بنابراین، آرایه بودن یک عنصر را نمی‌توان صرفاً بر اساس کارکرد کنونی یا اولیه آن تعیین کرد، بلکه باید سیر تحول آن و رابطه‌اش با معماری در طول زمان نیز مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، در مطالعات تاریخی و حفاظتی، تشخیص آرایه معماری باید با در نظر گرفتن زمان شکل‌گیری، کارکرد اولیه، تغییرات تاریخی و کارکرد یا معنای متأخر اثر انجام شود. این رویکرد از حذف عناصر تاریخی صرفاً به دلیل از دست دادن کارکرد اولیه و نیز از نسبت دادن بی‌مبنای عنوان آرایه به عناصر صرفاً بر اساس برداشت‌های معاصر جلوگیری می‌کند.

آرایه‌های معماری ایران را می‌توان در سطح نخست، بر اساس نوع ماده، مصالح و ماهیت غالب آن‌ها در ۱۶ گروه اصلی طبقه‌بندی کرد که هر یک، متناسب با مواد، فناوری ساخت، شیوه‌های آماده‌سازی و عمل‌آوری، روش شکل‌دهی و اجرا و سایر ویژگی‌های فنی و کالبدی، قابلیت تقسیم به رده‌ها و زیررده‌های تخصصی‌تر را دارند.

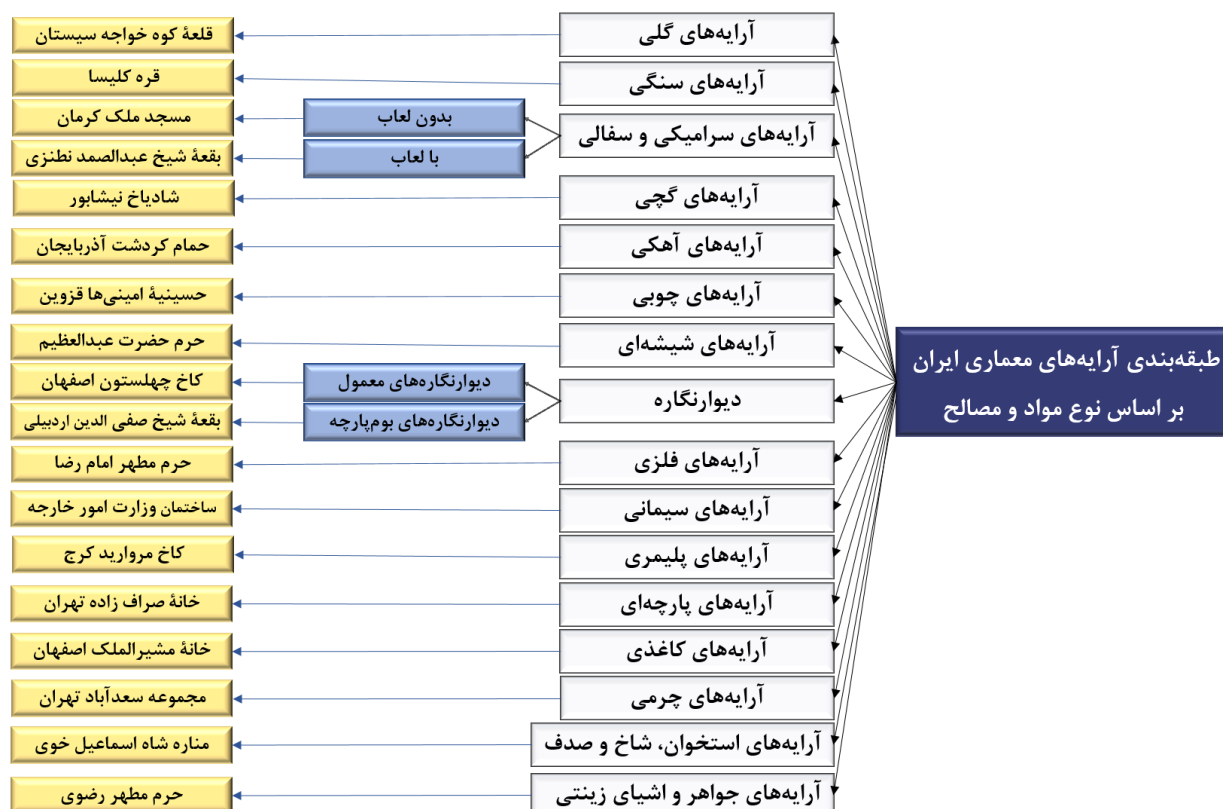
بررسی ادبیات نشان می‌دهد که مفهوم آرایه معماری در منابع مختلف از منظرهای متفاوتی صورت‌بندی شده است و هنوز تعریف واحد و جهان‌شمولی برای آن وجود ندارد. در ادبیات نظری معماری، تمایز میان ornament و decoration از موضوعات دیرپای نظری بوده است؛ به‌گونه‌ای که برخی مطالعات، ornament را عنصری با پیوند نزدیک‌تر و پایدارتر با معماری و decoration را مفهومی عام‌تر برای آرایش و زیباسازی می‌دانند (Ahani et al., 2017; Van Eck, 2020). در نظام واژگانی Getty Art & Architecture Thesaurus نیز architectural ornaments سلسله‌مراتب عناصر معماری و در زیرگروه عناصر سطحی معماری قرار گرفته است. این رویکردها بر اهمیت رابطه میان عنصر آرایه‌ای و بستر معماری تأکید دارند. در خصوص معادل انگلیسی اصطلاح «آرایه‌های معماری» باید میان دو واژه Ornament و Decoration تمایز قائل شد. واژه

Ornament عموماً به عناصر آرایه‌ای و تزئینی مرتبط و یکپارچه با اثر معماری اشاره دارد، در حالی که Decoration می‌تواند مفهومی عام‌تر داشته باشد و به عناصری اطلاق شود که لزوماً بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار و هویت معماری نیستند و ممکن است تغییر داده یا حذف شوند. بر این اساس، با توجه به ماهیت، پیوستگی و جایگاه عناصر آرایه‌ای در معماری ایران، اصطلاح Architectural Ornaments به‌عنوان معادل مناسب و جامع برای «آرایه‌های معماری» در این سند به کار گرفته می‌شود. برای اشاره به عناصر منفرد نیز می‌توان از اصطلاح Architectural Ornament استفاده کرد.

ب. تمایز «آرایه‌های معماری» از «تزئینات وابسته به معماری»: در بخش قابل توجهی از ادبیات تخصصی فارسی در گذشته، برای اشاره به عناصر تزئینی مرتبط با بنا، اصطلاح «تزئینات وابسته به معماری» به کار رفته است و در معرفی گونه‌های مختلف این عناصر، به‌ویژه در مطالعات معماری تاریخی ایران، رواج یافته است. با این حال، از منظر واژه‌شناسی و مفهومی، به نظر می‌رسد اصطلاح «آرایه‌های معماری» برای بیان قلمرو مورد نظر این پژوهش دقیق‌تر و مناسب‌تر باشد. نخست آنکه واژه «تزئینات» ریشه عربی دارد، در حالی که «آرایه» معادل فارسی آن است و در ادبیات فارسی نیز سابقه‌ای دیرینه در بیان مفهوم آراستن و آرایش دارد. استفاده از اصطلاح «آرایه» علاوه بر هماهنگی بیشتر با زبان فارسی، امکان شکل‌گیری یک اصطلاح تخصصی یکدست و بومی را در مطالعات معماری فراهم می‌کند. دوم آنکه تعبیر «وابسته به معماری» از نظر مفهومی، جایگاه این عناصر را به‌درستی بازنمایی نمی‌کند. واژه «وابسته» این تلقی را ایجاد می‌کند که این عناصر پدیده‌هایی بیرونی و الحاقی‌اند که تنها به معماری پیوسته‌اند؛ در حالی که بسیاری از آرایه‌های معماری، از آغاز شکل‌گیری بنا، جزئی از فرایند ساخت، سازمان فضایی و هویت کالبدی آن بوده‌اند. همان‌گونه که درباره دیوار، سقف، پی یا دیگر اجزای معماری از تعبیر «وابسته به معماری» استفاده نمی‌شود (پی وابسته به معماری!!)، بسیاری از عناصر آرایه‌ای نیز نه عناصری وابسته، بلکه بخشی از خود معماری‌اند؛ عناصری که در شکل‌گیری تجربه بصری، معنا، فناوری ساخت و هویت اثر نقش ایفا می‌کنند. با این حال، برای اهداف این پژوهش، اصطلاح «آرایه‌های معماری» به دلیل تأکید بر جایگاه ذاتی این عناصر در معماری، پوشش دامنه‌ای فراتر از تزئین صرف و سازگاری بیشتر با تعریف و نظام طبقه‌بندی پیشنهادی، به‌عنوان اصطلاح اصلی برگزیده شده است و نگارنده پیشنهاد می‌کند که همه متخصصان، اصطلاح آرایه معماری یا آرایه‌های معماری را در گفتار و نوشتار خود بکار برند.

ج. نمودار طبقه‌بندی شانزده‌گانه آرایه‌های معماری ایران: بر اساس تعریف پیشنهادی، آرایه‌های معماری ایران را می‌توان در یک نظام طبقه‌بندی اولیه، در ۱۶ گروه اصلی (شکل ۱) جای داد: آرایه‌های گلی؛ آرایه‌های سنگی؛ آرایه‌های سرامیکی و سفالی؛ آرایه‌های گچی؛ آرایه‌های آهکی؛ آرایه‌های چوبی؛ آرایه‌های شیشه‌ای؛ دیوارنگاره؛ آرایه‌های فلزی؛ آرایه‌های سیمانی؛ آرایه‌های پلیمری؛ آرایه‌های پارچه‌ای؛ آرایه‌های کاغذی؛ آرایه‌های چرمی؛ آرایه‌های استخوان، شاخ و صدف؛ آرایه‌های جواهر و اشیای زینتی. این طبقه‌بندی، در سطح نخست، بر ماده و مصالح غالب، همراه با ماهیت و ویژگی‌های اجرایی آرایه استوار است. هر یک از گروه‌های اصلی می‌تواند بر اساس عواملی همچون نوع ماده، ویژگی‌های ترکیبی، شیوه‌های آماده‌سازی و عمل‌آوری، فناوری ساخت، روش شکل‌دهی، شیوه اجرا، مراحل اجرای آرایه، میزان برجستگی و ویژگی‌های کالبدی و فنی، به رده‌ها و زیررده‌های تخصصی‌تر تقسیم شود. از این منظر، طبقه‌بندی ۱۶ گانه یک نظام پایه برای حرکت از شناسایی کلی آرایه‌ها به سوی یک نظام رده‌بندی تخصصی و چندسطحی است.

این نظام طبقه‌بندی با هدف ایجاد یک چارچوب جامع برای شناسایی و سامان‌دهی تنوع گسترده آرایه‌های معماری ایران پیشنهاد شده است. از این منظر، طبقه‌بندی حاضر صرفاً فهرستی از انواع آرایه‌ها نیست، بلکه می‌تواند مبنایی برای ایجاد زبان مشترک در مطالعات آرایه‌های معماری و توسعه نظام‌های ملی مستندسازی، پایگاه‌های اطلاعاتی و اطلس‌های تخصصی قرار گیرد. همچنین، قرار گرفتن «دیوارنگاره» به‌عنوان یک گروه مستقل، ناظر بر ویژگی‌های خاص آن به‌عنوان یک نظام تصویری و اجرایی مرتبط به بستر معماری است و مانع از آن می‌شود که تنوع تکنیک‌ها و مواد مورد استفاده در دیوارنگاره‌ها موجب نادیده گرفتن ماهیت مستقل آن در مطالعات معماری و حفاظت شود. این طبقه‌بندی یک نظام باز و قابل توسعه است و می‌تواند با پیشرفت مطالعات فن‌شناسی، شناسایی فناوری‌های سنتی و نوین، و آشکار شدن نمونه‌ها و گونه‌های کمتر شناخته‌شده، تکمیل و بازنگری شود. از این رو، ۱۶ گروه پیشنهادی را باید سطح نخست یک نظام رده‌بندی چندسطحی دانست، نه نقطه پایان طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران.



شکل ۱: نمودار طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران بر اساس نوع مواد و مصالح

۵. موارد مرزی و مسائل قابل بررسی در چارچوب پیشنهادی

چارچوب پیشنهادی پژوهش، با هدف تعیین حدود مفهومی آرایه‌های معماری و ایجاد مبنایی منسجم برای طبقه‌بندی آن‌ها تدوین شده است؛ با این حال، در مواجهه با برخی عناصر و وضعیت‌های مرزی، تعیین جایگاه آن‌ها در قلمرو آرایه‌های معماری همواره بدیهی نیست. از این رو، برای بررسی قابلیت تبیینی و کاربردی چارچوب، لازم است معیارهای ارائه‌شده در برابر مواردی که در مرز میان آرایه معماری، عنصر ساختمانی، لایه پوششی، شیء منقول یا سایر عناصر مرتبط با معماری قرار می‌گیرند، مورد تحلیل قرار گیرند. این بررسی نه با هدف اثبات قطعی و نهایی چارچوب، بلکه برای روشن‌تر شدن حدود مفهومی آن، آشکار شدن ظرفیت‌ها و محدودیت‌های تعریف پیشنهادی و نشان دادن چگونگی کاربرد معیارهای شناسایی و طبقه‌بندی در موقعیت‌های پیچیده انجام می‌شود.

الف: دیوارنگاره: در نگاه نخست ممکن است چنین به نظر برسد که مبنای نام‌گذاری گروه‌های این طبقه‌بندی، در همه موارد ماده تشکیل‌دهنده است و «دیوارنگاره» از این قاعده مستثنا شده است. در حالی که چنین نیست. اگر قرار بود «دیوارنگاره» نیز صرفاً بر اساس ماده تشکیل‌دهنده و مطابق با عنوان سایر گروه‌ها نام‌گذاری شود، می‌توانست عنوان‌هایی مانند «آرایه‌های رنگی» یا «آرایه‌های رنگزایی» برای آن پیشنهاد شود؛ زیرا ماده اصلی در شکل‌گیری آن، رنگزا و لایه رنگ است. با این حال، رنگزا و لایه رنگ در برخی دیگر از گونه‌های آرایه معماری نیز می‌تواند به عنوان یک لایه تکمیلی حضور داشته باشد؛ برای مثال، در آرایه‌های گچی رنگ‌آمیزی‌شده. در نتیجه، انتخاب عنوانی صرفاً بر اساس ماده، نمی‌توانست ویژگی متمایزکننده و روشنی برای این گونه ایجاد کند و ممکن بود موجب هم‌پوشانی مفهومی میان گروه‌ها شود. از این رو، برای پرهیز از ابهام و نیز استفاده از عنوانی روشن و قابل فهم برای مخاطبان و متخصصان، اصطلاح «دیوارنگاره» برای این گونه انتخاب شده است. بنابراین، تفاوت در عنوان «دیوارنگاره» به معنای تفاوت در منطق انتخاب این گروه با سایر گروه‌های طبقه‌بندی نیست؛ بلکه ناشی از ضرورت انتخاب عنوانی متمایز و گویاتر برای یک گونه خاص است. در این طبقه‌بندی، تمامی گروه‌ها در سطح نخست بر اساس ماده و مصالح غالب، همراه با ماهیت غالب آرایه شناسایی و نام‌گذاری شده‌اند و در مواردی که ماهیت اثر، عنوان مناسب‌تر و دقیق‌تری را ایجاب کرده است، این ویژگی نیز در نام‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است.

ب: آرایه‌های جواهری و اشیای زینتی: از دوره‌های کهن، شواهد مکتوب و هنری از کاربرد گوهرسنگ‌ها و اشیای زینتی در آرایش و جلوه‌بخشی به فضاها و عناصر معماری ایران وجود دارد. در متون ادبی فارسی نیز شواهدی از کاربرد گوهر و مواد گران‌بها در آرایش و شکل‌دهی عناصر معماری

وجود دارد. برای نمونه، فردوسی در توصیف کاخ کسری از «ایوان گوه‌رنگار» و طاق‌هایی سخن می‌گوید که با سیم، زر و گونه‌های مختلف گوهر آراسته شده‌اند: «یکی کاخ کرد اندر آن شهریار / بدو اندر ایوان گوه‌رنگار / همه شوشه طاق‌ها سیم و زر / به زر اندرون چند گونه گهر» (فردوسی، ۱۳۸۶). این توصیف، برخلاف آرایش موقت فضا برای برگزاری جشن یا آیین، ناظر بر ویژگی و آرایش خود بناست و از این منظر می‌تواند شاهدی ادبی برای کاربرد گوهر و اشیای گران‌بها در آرایه‌های معماری باشد.

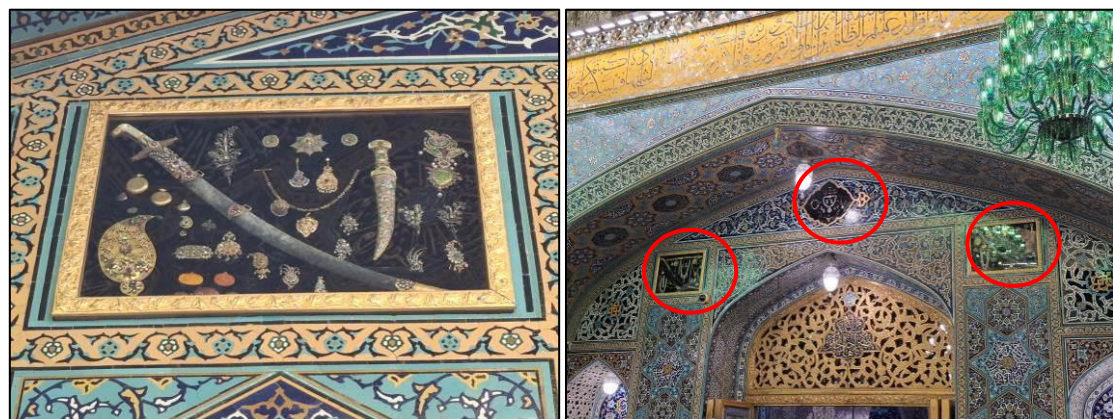
همچنین در داستان پادشاهی بهرام گور، پس از شکست خاقان چین، به فرمان بهرام، تاج خاقان را می‌آورند و گوهرهای نشانه‌شده در آن را جدا کرده و در دیوار آتشکده به کار می‌برند: «بفرمود پس تاج خاقان چین / که پیش آورد مردم پاک‌دین / گهرها که بود اندرو آژده / بکندند و دیوار آتشکده / به زر و به گوهر بیاراستند / سر تخت آذر بپیراستند» (فردوسی، ۱۳۸۶). این ابیات، از آن جهت که گوهرهای یک شیء زینتی (تاج) از حالت اولیه خود خارج شده و در دیوار و اجزای آتشکده به کار گرفته می‌شوند، نمونه‌ای صریح از پیوند جواهر و اشیای زینتی با معماری و تبدیل آن‌ها به بخشی از آرایش ثابت بنا به شمار می‌آید.

در بناهایی مانند تخت جمشید، استفاده از گوهرها و زیورات در نقش‌برجسته‌های پادشاهان، بخشی از شواهد هنری مرتبط با جایگاه و اهمیت این عناصر در فرهنگ و هنر معماری ایران به شمار می‌رود. متأسفانه در مجموعه تخت جمشید، فقط رد این آرایه‌های معماری به چشم می‌خورد و این آثار ارزشمند مفقود شده است. در این آثار، هنگام اجرای نقش‌برجسته، محل قرارگیری ورق یا مفتول طلا و همچنین گوهرسنگ‌ها کمی بیشتر تراشیده می‌شده تا پس از قرارگیری این زیورات در محل اصلی، کاملاً هماهنگ و همسطح با بخش سنگی دیده شود. معمولاً این آرایه خاص، در تاج یا کلاه، دستبند و همچنین گردنبند اجرا می‌شده است. برای اتصال این بخش، معمولاً حفره‌هایی در سنگ ایجاد می‌شده و به گونه‌ای ورق‌های فلزی و گوهرها بر روی سنگ نصب می‌شده که جزو اثر قلمداد شود و یکپارچگی خود را حفظ کند (شکل ۲).



شکل ۲: رد باقیمانده از جواهرات در جایگاه آرایه معماری، تخت جمشید (تاریخ تصویر ۱۴۰۳)

نمونه دیگر در این خصوص، جواهرات و اشیای زینتی هستند که در گنبدخانه اصلی بارگاه رضوی در جایگاه آرایه معماری قابل مشاهده است. برای نمایش بخشی از اشیای تاریخی قیمتی و بسیار ارزشمند، قاب‌هایی در دیوار طراحی و اجرا شده و این اشیای زینتی گرانبها داخل این قاب‌ها نصب شده است و در نهایت، بر روی آن شیشه قرار گرفته است. به این صورت، این اشیای زینتی و گوهرها، تبدیل به آرایه معماری شده است (شکل ۳).



شکل ۳: اشیای زینتی تاریخی گرانبها و جواهرات در جایگاه آرایه معماری، گنبدخانه حرم رضوی (تاریخ تصویر ۱۴۰۳)

ج. اشیای منقول در جایگاه آرایه معماری: منقول یا آرایه معماری بودن یک شیء زینتی، صرفاً بر اساس قابلیت فیزیکی آن برای جابه‌جایی تعیین نمی‌شود، بلکه به نوع و میزان پیوند آن با معماری نیز بستگی دارد. شیئی که صرفاً در فضای معماری قرار گرفته و بدون تغییر در ماهیت، ساختار یا نظام معماری بتوان آن را جدا و در مکان دیگری مورد استفاده قرار داد، در زمره اشیای منقول قرار می‌گیرد. در مقابل، چنانچه یک شیء از ابتدا برای یک معماری طراحی شده باشد (معمولاً شی و اثر معماری همزمان ساخته می‌شود) و در ارتباط پایدار با معماری شکل گرفته یا در فرایند تاریخی به بخشی از نظام آرایشی، مفهومی یا زیبایی‌شناختی یک بنای مشخص تبدیل شده باشد و جایگاه، نحوه استقرار و رابطه آن با معماری در هویت و خوانش اثر نقش داشته باشد، می‌توان آن را در چارچوب این پژوهش به‌عنوان آرایه معماری در نظر گرفت. بنابراین، معیار تمایز، صرفاً قابلیت جابه‌جایی فیزیکی نیست، بلکه «رابطه شیء با معماری» و میزان ادغام آن در نظام کالبدی، زیبایی‌شناختی و معنایی بناست. به عبارتی، یک شیء زینتی زمانی آرایه معماری محسوب می‌شود که رابطه‌ای پایدار، معنادار و طراحی‌شده با معماری پیدا کرده باشد و حضور آن بخشی از شکل‌گیری، خوانش، زیبایی‌شناسی یا معنای فضای معماری باشد. اما اگر شیء صرفاً در یک فضای معماری قرار گرفته باشد و بتوان آن را بدون تغییر اساسی در معماری، از بنا جدا و در فضای دیگری استفاده کرد، در اصل یک شیء منقول است؛ حتی اگر بسیار زیبا و تزئینی باشد.

مثال: لوستر معمولی یک کاخ تاریخی که صرفاً برای روشنایی و زیبایی از سقف آویزان شده و بتوان آن را باز کرد و در کاخ یا موزه دیگری نصب کرد، یک شیء منقول است، نه آرایه معماری. اما اگر در یک بنای تاریخی، لوستر از ابتدا برای همان فضا طراحی و ساخته شده باشد، محل نصب، ابعاد، شکل، آذین، ترکیب‌بندی و نحوه اتصال آن با سقف و فضای معماری در طراحی بنا لحاظ شده باشد و جزء جدایی‌ناپذیر نظام آرایشی و معنایی آن فضا شده باشد، می‌توان آن را در چارچوب تعریف این پژوهش، آرایه معماری دانست. کاخ مروارید در کرج که یک معماری مدرن مربوط به دوره پهلوی است، مشخصاً برای این اثر نور و روشنایی طراحی و اجرا شده است. بر این اساس، لوسترهای این کاخ، آرایه معماری محسوب می‌شود (شکل ۴).



شکل ۴: طراحی نور و روشنایی در معماری مدرن پهلوی، کاخ مروارید کرج (تاریخ تصویر ۱۴۰۳)

د. ماده شکل دهنده آرایه معماری: در این نوشتار، نگارنده بر این باور است که تعیین گونه آرایه معماری باید بر اساس ماده شکل‌دهنده آن صورت گیرد. در نگاه نخست، این دیدگاه ممکن است بدیهی به نظر برسد؛ اما با دقت بیشتر روشن می‌شود که برخی آرایه‌های معماری را نمی‌توان به‌سادگی در یک گونه مشخص قرار داد. برای روشن شدن موضوع، سه مثال ارائه می‌شود.

مثال نخست: در مناطق کویری، به‌ویژه منطقه یزد، آرایه‌های برجسته‌ای وجود دارد که شکل و برجستگی آن‌ها با استفاده از گِل ایجاد شده است. در واقع، هنرمند یا استادکار به کمک گِل یا کاهگل، شکل یا نقشی را بر سطح دیوار اجرا کرده است. پس از آن، دو حالت ممکن است وجود داشته باشد. در حالت نخست، لایه‌ای بسیار نازک از گچ، با ضخامتی در حدود یک میلی‌متر، بر سطح کاهگل اجرا می‌شده و سپس لایه‌ای بوم‌کننده، معمولاً از گِل سفید یا گِل گیوه، بر روی آن قرار می‌گرفته است. این آرایه یا در همین مرحله به پایان می‌رسیده یا لایه رنگ بر سطح آن اجرا می‌شده است. در حالت دوم، مستقیماً بر روی گِل، لایه بوم‌کننده اجرا می‌شده است. در هر دو حالت، از آنجا که نقوش برجسته به‌وسیله گِل شکل گرفته‌اند، صرف‌نظر از ماهیت لایه‌های بسیار نازک رویی، این آرایه در گونه آرایه‌های گلی قرار می‌گیرد (شکل ۵).

مثال دوم: نمونه دیگر، آرایه لایه‌چینی است. بر اساس مطالعات فنی انجام‌شده درباره مواد تشکیل‌دهنده این آرایه، مشخص شده است که بیش از نیمی از بخش معدنی آن را گچ و بخش کمتری را گِل سرخ (گِل هرمز یا گِل ارمنی) تشکیل می‌دهد. بخش آلی نیز از سریشم تشکیل شده است (حمزوی، ۱۴۰۳). از سوی دیگر، معمولاً بر سطح آرایه لایه‌چینی، ورق طلا یا ورق طلایی چسبانده می‌شده است؛ از این‌رو، ظاهر نهایی نقوش به رنگ طلایی دیده می‌شود (شکل ۶). با توجه به غالب بودن گچ در ماده تشکیل‌دهنده لایه‌چینی و نیز با توجه به اینکه ماده شکل‌دهنده نقوش، خود ماده لایه‌چینی است و ورق طلایی صرفاً یک لایه تکمیلی و نهایی محسوب می‌شود، آرایه لایه‌چینی در گونه آرایه‌های گچی قرار می‌گیرد.

مثال سوم: در بسیاری از بناهای تاریخی ایران که در آن‌ها آرایه‌های گچی اجرا شده است، گاهی در زمان خلق اثر، برای افزایش جلوه و زیبایی آن‌ها، برخی قسمت‌های آرایه‌های گچی رنگ‌آمیزی می‌شده است (شکل ۷). در واقع، لایه‌ای که در سطح نهایی دیده می‌شده، ممکن است لایه رنگ یا ورق طلایی بوده باشد. اگر صرفاً لایه سطحی اثر ملاک قرار گیرد، ممکن است این آثار در گروه دیوارنگاره قرار داده شوند؛ اما در این نوشتار، بر این باوریم که ماده شکل‌دهنده نقوش باید مبنای تعیین گونه آرایه معماری قرار گیرد. بنابراین، نقوش یا کتیبه‌هایی که با ملات گچی اجرا شده‌اند، خواه به همان صورت باقی مانده باشند و خواه در مرحله‌ای بعد، لایه‌ای تکمیلی از رنگ یا ورق طلایی بر سطح آن‌ها اجرا شده باشد، در هر دو حالت در گونه آرایه‌های گچی قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، رنگ‌آمیزی یا طلاچسبانی، در صورتی که صرفاً لایه‌ای تکمیلی بر روی نقش گچی باشد، ماهیت ماده شکل‌دهنده و در نتیجه گونه اصلی آرایه را تغییر نمی‌دهد.



شکل ۵: آرایه گلی، محراب مسجد جامع فهرج (تاریخ تصویر ۱۴۰۴)

شکل ۶: آرایه لایه‌چینی طلاچسبانی شده، سقف گنبد کلیسای بیت‌لهم (تاریخ تصویر ۱۳۸۹)

شکل ۷: آرایه گچی برجسته رنگ‌آمیزی شده و طلاچسبانی شده، اتاق مقبره بقعه پیربرکان، کتیبه با تاریخ ۷۰۳ ه.ق. (تاریخ تصویر ۱۳۹۱)

۶. نتیجه‌گیری

مفهوم «آرایه معماری» در مطالعه و حفاظت از معماری تاریخی، مفهومی چندلایه است که نمی‌توان آن را صرفاً به زینت یا کیفیت زیبایی‌شناختی بنا تقلیل داد. تنوع آرایه‌های معماری ایران نشان می‌دهد که این عناصر در پیوند با ماده، فناوری، بدنه معماری، معنا و شرایط محیطی شکل گرفته‌اند و می‌توانند هم‌زمان واجد کارکردهای مفهومی، زیبایی‌شناختی و، با محدودیت‌هایی، پوششی - حفاظتی باشند. از این‌رو، تعیین حدود این مفهوم، پیش‌شرطی مهم برای ایجاد انسجام در مطالعات مرتبط با آرایه‌های معماری و حفاظت از آن‌هاست. تعریف پیشنهادی این پژوهش، بر پایه تحلیل

ادبیات مرتبط و با ترکیب سه مؤلفه اصلی رابطه با معماری، نحوه شکل‌گیری و کارکرد، چارچوبی برای تشخیص و تمایز آرایه‌های معماری فراهم می‌کند. این تعریف، هم آرایه‌هایی را که هم‌زمان با ساخت بنا شکل گرفته‌اند و هم آرایه‌هایی را که پس از شکل‌گیری بدنه معماری بر آن اجرا یا افزوده شده‌اند، دربرمی‌گیرد. در عین حال، با تعیین کارکردهای سه‌گانه، معیار مشخصی برای تمایز آرایه از سایر عناصر معماری فراهم می‌شود. بدین ترتیب، مفهوم آرایه از یک عنوان صرفاً توصیفی به مفهومی قابل استفاده در فرایندهای پژوهشی و حفاظتی نزدیک می‌شود. در این میان، قابلیت عملیاتی به عنوان مؤلفه‌ای تکمیلی، ناظر بر امکان به کارگیری این تعریف در فرایندهای شناسایی، مستندسازی، تحلیل و حفاظت است.

وجه تمایز چارچوب پیشنهادی نسبت به بسیاری از رویکردهای پیشین، در ابداع معیارهای کاملاً جدید نیست، بلکه در ترکیب، تفکیک و سازمان‌دهی معیارهای موجود در یک چارچوب منسجم، سلسله‌مراتبی و چندسطحی با تمرکز بر آرایه‌های معماری ایران است. در این چارچوب، رابطه آرایه با معماری، نحوه شکل‌گیری و کارکرد، حدود مفهومی موضوع را مشخص می‌کنند؛ سپس ماده و مصالح غالب، همراه با ماهیت غالب اثر، مبنای طبقه‌بندی در سطح نخست قرار می‌گیرند. در سطوح بعدی نیز ویژگی‌هایی مانند فناوری، تکنیک و شیوه اجرا، فرم و نقش مایه، محل استقرار، دوره تاریخی و ویژگی‌های منطقه‌ای می‌توانند برای تفکیک رده‌ها و زیررده‌های تخصصی‌تر به کار گرفته شوند. از این منظر، چارچوب پیشنهادی می‌کوشد میان تعریف مفهومی، شناسایی، طبقه‌بندی و کاربردهای تخصصی آرایه‌های معماری ارتباطی نظام‌مند برقرار کند.

طبقه‌بندی شانزده‌گانه پیشنهادی، نخستین سطح عملیاتی این چارچوب را تشکیل می‌دهد. این طبقه‌بندی امکان سامان‌دهی اولیه تنوع مادی، فنی و اجرایی آرایه‌های معماری ایران را فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای توسعه رده‌بندی‌های تخصصی‌تر در سطوح بعدی باشد. مزیت این ساختار در آن است که طبقه‌بندی را به یک فهرست ثابت و بسته محدود نمی‌کند، بلکه آن را به صورت نظامی باز و قابل توسعه در نظر می‌گیرد؛ به گونه‌ای که با افزایش شناخت از نمونه‌های معماری ایران، امکان افزودن، تفکیک یا بازنگری رده‌ها و زیررده‌ها وجود داشته باشد. چنین ساختاری می‌تواند در آینده برای تدوین واژگان تخصصی، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، تهیه اطلس‌های آرایه‌های معماری و توسعه نظام‌های منسجم مستندسازی مورد استفاده قرار گیرد. پیامد این چارچوب در حوزه حفاظت و مرمت نیز فراتر از یک طبقه‌بندی صرفاً نظری است. تعریف روشن موضوع حفاظت، مبنایی برای شناسایی ارزش‌ها، تشخیص و تحلیل آسیب‌ها، بررسی عوامل مؤثر بر تخریب و انتخاب راهبرد مناسب مداخله فراهم می‌کند. از این رو، چارچوب پیشنهادی می‌تواند ارتباط میان مطالعات تاریخی و هنری و مطالعات فن‌شناسی، آسیب‌شناسی، حفاظت و مرمت را تقویت کند و زمینه را برای تصمیم‌گیری‌هایی فراهم آورد که در آن‌ها ماده، فناوری، اصالت، کارکرد و رابطه آرایه با معماری به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. همچنین، تمایز میان ماده شکل‌دهنده آرایه و لایه‌های تکمیلی، می‌تواند در شناسایی و طبقه‌بندی آثاری که از چند ماده یا چند لایه تشکیل شده‌اند، از جمله آرایه‌های گچی رنگ‌آمیزی شده یا طلاچسبان، کاربرد داشته باشد.

با این حال، چارچوب حاضر را نباید نظامی بسته، نهایی و تغییرناپذیر تلقی کرد. پژوهش حاضر در پی صورت‌بندی یک چارچوب مفهومی و عملیاتی در مرحله نخست است و نه ارائه یک نظام نهایی و قطعی برای همه گونه‌های آرایه‌های معماری ایران. از این رو، اعتبارسنجی تجربی و توسعه بیشتر آن نیازمند آزمون چارچوب بر نمونه‌های متنوع معماری ایران، بررسی تطبیقی دوره‌ها و مناطق مختلف، تحلیل نمونه‌های مرزی و ارزیابی تخصصی آن توسط پژوهشگران و متخصصان حوزه‌های مرتبط است. این فرایند می‌تواند به اصلاح معیارها، بازتعریف برخی مرزهای مفهومی و تکمیل سطوح مختلف طبقه‌بندی منجر شود. چنین رویکردی با ماهیت چارچوب‌های مفهومی سازگار است؛ زیرا این چارچوب‌ها در فرایند تحلیل و ترکیب مفاهیم شکل می‌گیرند و قابلیت بازنگری و اصلاح بر اساس داده‌ها، ادبیات جدید و ارزیابی تخصصی را دارند. در مجموع، یافته اصلی پژوهش حاضر ارائه تعریفی عملیاتی و چارچوبی چندسطحی برای شناسایی و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران است. این چارچوب با تفکیک میان معیارهای تعیین‌کننده قلمرو مفهوم و معیارهای مورد استفاده برای طبقه‌بندی، امکان مواجهه منسجم‌تر با تنوع گسترده آرایه‌های معماری ایران را فراهم می‌کند.

سپاسگزاری

نگارنده بر خود لازم می‌داند از راهنمایی‌های ارزشمند بیست ساله آقای دکتر حسام اصلانی سپاسگزاری نماید.

حمایت مالی و معنوی

این پژوهش بدون دریافت حمایت مالی یا معنوی انجام پذیرفته است.

تعارض نویسندگان

نویسنده هیچ گونه تعارض منافی را گزارش نمی‌کند.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های خام نزد نویسنده محفوظ است و با مکاتبه قابل دستیابی است.

منابع

- ابراهیمی، المیرا، انیران، موسی، جهانبخش، حیدر (۱۴۰۳). *تزئینات وابسته به معماری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- اتینگهاوزن، ریچارد، گرابار، اولگ (۱۳۷۸). *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
- بلر، شیلا، بلوم، جانatan (۱۳۸۵). *هنر و معماری اسلامی*. ترجمه اردشیر اشراقی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۷۰). *معماری ایران*. ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ دوم، تهران: چاپ نقش جهان.
- پوپ، آرتور اپهام، اکرم، فیلیس (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران: از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. ترجمه نجف دریابندری و دیگران، ویراستاری سیروس پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۹). *شیوه‌های معماری ایران*. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: موسسه نشر هنر اسلامی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۳). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تدوین غلامحسین معماریان، چاپ سوم، تهران: معمار.
- جواد، آسیه (۱۳۶۳). *معماری ایران*. تهران: مجرد.
- حمزوی، یاسر (۱۴۰۳). *آرایه‌های لایه‌چینی در معماری ایران*. میراث جنوب غربی آسیا، ۱(۱): ۱-۱۸. <https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.548564.1005>
- حمزوی، یاسر، اصلانی، حسام (۱۳۹۱). *آرایه‌های معماری بقعه پیربکران*. اصفهان: گلدسته.
- حمزولو، منوچهر (۱۳۸۶). *تزئینات معماری خانه بروجردی‌های کاشان*. تهران: پازینه.
- حمزولو، منوچهر (۱۳۸۱). *هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه*. تهران: نشر مکان.
- خدادادی، آناهیتا، بزرگمهری، زهره (۱۳۹۰). *آموزه‌های ایرانی: شناخت، آسیب‌شناسی و مرمت*. تهران: سروش دانش.
- پاپادوپولو، الکساندر (۱۳۶۸). *معماری اسلامی*. ترجمه حشمت جزنی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۹). *پژوهش‌هایی در هنر ایران*. تهران: نشر نی.
- عمرانی‌پور، علی (۱۳۸۴). *هنر و معماری اسلامی ایران*. تهران: معاونت معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه، بر پایه چاپ مسکو*. تهران: هرمس.
- فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴). *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۶). *تزئینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹). *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- گذار، آندره و همکاران (۱۳۷۱). *آثار ایران*. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، دوره چهار جلدی، چاپ دوم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- گرابر، اولگ (۱۳۷۹). *شکل‌گیری هنر اسلامی*. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مسجدی خاک، پرستو، خزایی کوهر، مصطفی، یوسفی، زهره (۱۳۹۷). *معماری ایران در دوره اسلامی و تزئینات وابسته*. تهران: سمیرا.
- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزئینات معماری*. تهران: سمت.
- موسوی حاجی، سید رسول، نیک‌بر، مازیار (۱۳۹۳). *هنرهای کاربردی دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- میشل، جرج (۱۳۸۰). *معماری جهان اسلام*. ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر مولی.
- نجیب اغلو، گلرو (۱۳۷۹). *هندسه و تزئین در معماری اسلامی: طومار توتی‌پای*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه.
- هیل، درک، گرابار، اولگ (۱۳۷۵). *معماری و تزئینات اسلامی*. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هیلن‌براند، رابرت (۱۳۸۷). *معماری اسلامی*. ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.

- Getty Research Institute. (n.d.). *Architectural ornament*. In *Art & Architecture Thesaurus (AAT)*. J. Paul Getty Trust.
- Gombrich, E. H. (1979). *The Sense of Order: A Study in the Psychology of Decorative Art*. Ithaca: Cornell University Press.
- Riegl, A. (1992). *Problems of Style: Foundations for a History of Ornament*. Trans. Evelyn Kain; annotations, glossary and introduction by David Castriota. Princeton: Princeton University Press. (Original German edition: 1893).
- Trilling, J. (2003). *Ornament: A Modern Perspective*. Seattle: University of Washington Press.
- Van Eck, C. (2020). Ornament in Europe: From Antiquity to the Twentieth Century. *Oxford Bibliographies in Architecture, Planning, and Preservation*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/OBO/9780190922467-0042>

حمزوی، یاسر (۱۴۰۵). تعریف و طبقه‌بندی آرایه‌های معماری ایران: تدوین یک چارچوب مفهومی و عملیاتی بر پایه تحلیل معیارهای شناسایی و طبقه‌بندی. میراث جنوب غربی آسیا، ۳(۱)، کد۴.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2026.596896.1059>